

چادر خوابی بیماران شهرستانی در پایتخت برای ویزیت +عکس



شناسه خبر: ۱۳۶۸۸۴ شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۲ - ۱۳:۳۶

گذری به بیمارستان‌های تهران شما را با انبوه خانواده‌هایی روبرو می‌کند که درون ماشین و چادر زندگی می‌کنند. از شهرستان آمده‌اند و حالا شلوغی بیمارستان، آن‌ها را چندین روز کارتن‌خواب کرده است.

به گزارش موج خبر، خانمش او را سید احمد صدا می‌کرد. خودش سر صحبت را باز کرد «هر چه پس‌انداز کرده بودم تمام شده کمی هم برای خورد و خوراک برایمان باقی مانده است. توی شهر خودمان دکتر برای انجام این عمل نیست برای همین مجبور شدم به تهران بیایم» پیرمرد بی آنکه مجالی بدهد، صحبتش را ادامه داد «چند روزی می‌شود که این جا چادر زده‌ایم. یک نوه داریم که پدر و مادرش را از دست داده و با ما زندگی می‌کند. دکترها می‌گویند که توی سرش چیزهایی دارد. اسمش را نمی‌دانم. ولی می‌گویند که به عمل نیاز دارد. راستی چادر شما کدام یکی از این‌ها است؟» نمی‌خواستم دروغ بگویم. من با دیدن این خانواده‌ها یاد مادر بزرگ خودم افتاده بودم. چند سال پیش در شهر خودمان پزشکان جوابش کردند. گفتند از دست ما کاری بر نمی‌آید، باید ببریدش مرکز استان. هر جور بود خودمان را به مشهد رساندیم ولی کارساز نبود. ترسیدم این را برای سید احمد تعریف کنم. بی آن‌که من من کنم، گفتم گذری هستم و تعداد زیاد چادرها توجهم را جلب کرده است.

انتظار شلوغی بیمارستان‌های تهران را نداشت

کمی آن طرف تر چند مرد که دشداشه به تن کرده اند، به زبان عربی با هم صحبت می کنند؛ یکی از آنها می گوید از اهواز به اینجا آمده اند؛ آن طور که روایت می کند؛ پدر پیری دارند که در اهواز عمل آپاندیس انجام داده و مدتی پس از جراحی، به دلیل لخته شدن خون، سخته کرده است. می گوید از هفته پیش فقط کارهای تشخیصی انجام شده و می گویند بعد از انجام این مراحل تشخیص می دهند که بیمار قابل درمان است یا نه! بار اولی است که به تهران می آیند و تصورشان این بوده که چون بیمارستان واقع در پایتخت است رسیدگی بهتری صورت می گیرد اما اطلاع نداشته که بیمارشان، تنها کسی نیست که از شهرستان برای مداوا به اینجا آمده است. تصور این همه شلوغی در این بیمارستان را نداشته است. مسیرم را ادامه می دهم. داخل یکی از چادرها دو مرد نشسته اند و چای می نوشند. جلو می روم و احوالپرسی می کنم. سوالم این بود که از کجا آمده اند تهران. یکی از مردها می گوید: «از استان اردبیل- شهرستان پارس آباد آمده ایم؛ بیمار پدرمان است که به اینجا آورده ایم؛ کشک زانوی بیمارمان دچار مشکل است؛ در شهرستان خودمان پزشک هست اما می گویند امکاناتی که مورد نیاز است در شهرستان ما نیست.»



معطلی چند هفته ای

صدایش را صاف کرد و حرف چند هفته معطل شدنشان را پیش کشید «ما هفت هفته است که منتظریم در تهران نوبت بیمارمان شود که در بیمارستان جراحی شود. سه بار به تهران آمده ایم و در نهایت از سوی بیمارستان امام خمینی تماس گرفتند و گفتند امروز ساعت ۹ صبح باید اینجا باشیم. می گویند یک هفته دیگر نیز باید صبر کنیم تا کارهای تشخیصی نهایی برای بیمار انجام و جراحی آغاز شود.» یک زن و مرد هم بین ماشین ها زیرانداز انداخته بودند. هم صحبت که

می‌شویم از دشواری‌های پیدا کردن تخت برایم تعریف می‌کنند. می‌گفت پدر کودک ۱۷ ماهه را دیده که در یک شبانه‌روز، ۱۵ بیمارستان را زیر پا گذاشته تا یک تخت برای بستری کودکش پیدا کند. بعد از ابتلای فرزندش به بیماری ویروسی، به یک بیمارستان خصوصی رفته و تشخیص داده‌اند که باید بستری شود اما تخت خالی نداشته‌اند. یکی یکی بیمارستان‌های خصوصی و دولتی را پشت سر گذاشته و باز هم با این پاسخ روبرو شده است: «تخت خالی برای کودکان نداریم.» در نهایت هم ساعت دو نصف شب در یک بیمارستان خصوصی با اما و اگر و هزینه‌ی شبی هفت میلیون تومانی تخت خالی پیدا کرده است.

بیمارستان‌های شهرستان هم شلوغ است

پدری که پسر نوجوانش را از اسلامشهر به تهران آورده می‌گوید پسر بیماری کلیوی دارد؛ در اسلامشهر نیز پزشک متخصص وجود دارد اما رسیدگی خوبی در آنجا صورت نمی‌گیرد. مدعی است که به دلیل شلوغی بیمارستان‌های موجود در این شهرستان، خدمات درمانی ارائه شده، کشش انبوه جمعیت را ندارد. از بی‌توجهی کادر درمان به بهبود کیفیت خدمت‌رسانی به بیماران نیز گله دارد و می‌گوید زمانی که به بیمارستان شهرش مراجعه می‌کند؛ پزشکان وقت کافی برای ویزیت تعداد زیاد بیماران ندارند.



اظهارات بیماران در حالی است که برخی بیمارستان‌ها با کمک خیرین سلامت، ساختمان‌هایی را برای همراهان بیمار

اجاره کرده بودند. برخی هم سامانه‌های مجازی برای پیگیری روند درمان ساخته بودند که از مراجعه مردم و شلوغی هرچه بیش‌تر بیمارستان جلوگیری کرده باشند. یکی از دلایل مراجعه این افراد از شهرستان‌ها به تهران کمبود پزشک و برخی مشکلات درمانی است اما وزیر بهداشت وزیر بهداشت معتقد است تعداد دانشجویان پزشکی نباید افزایش یابد، چرا که بیمار به اندازه کافی وجود ندارد! یکی از پسران جوان که برادر بیمار بود می‌گفت «خواهرم بیماری زنانه دارد و در شهرستانمان پزشک متخصص و دستگاه پیشرفته‌ای برای تشخیص بیماری‌اش نیست. شهرستان ما بیمارستان دارد اما پزشک خوب و متخصص در این شهر نمی‌ماند.» می‌گفت عمده پزشکانی که می‌آیند تازه کارند و تا زمانی که مهارتشان افزایش پیدا کند در آن منطقه می‌مانند. نمی‌دانم، شاید تعداد پزشکان کم باشد یا درآمدشان نامناسب است. اما این که چرا پزشکی پیدا نمی‌شود که بیمارستان آن شهر را پر کند، خودش قصه بلندی می‌شود که مجالی برای نوشتنش نیست.

منبع: فارس

انتهای پیام/